تحلیل مؤلفه‌های معنایی واژه «یعسوب الدین» در منابع روایی اهل سنت

سید محمدرضا فقیه ایمانی[1]
مهدی ایزدی[2]

چکیده

«یعسوب الدین» و «یعسوب المؤمنین» دو مدال افتخار است که از سوی رسول خدا (ص)، به علی (ع) عطا شده است. چالش مهم درباره این لقب در دو مقام ثبوت معنا و اثبات اعتبار آن است. در مقام ثبوت معنا این سؤال اساسی وجود دارد که انسان مؤمن چه ویژگی‌هائی دارد که به زنبور عسل تشبیه شده و امیر او نیز «یعسوب» نام گرفته است؟ همچنین در مقام اثبات اعتبار، برخی از علمای اهل سنت منکر این فضیلت علی (ع) شده و آن را ساختگی برشمرده‌اند. در این مقاله برای اثبات صدور این لقب از جانب رسول خدا (ص)، روایات مربوطه در یک دسته‌بندی منطقی ارائه گردیده است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی همچون: تقیه و حفظ اسرار، طهارت ظاهر و باطن، اطاعت از فرمان امیر، آزار نرساندن به دیگران، نافع بودن و برکت داشتن، می‌توان به درک بهتری از این لقب دست یافت.

کلید واژه ها: علی (ع)، یعسوب الدین، یعسوب المؤمنین، امیرالمؤمنین، تقیة، طهارت، اطاعت، آزار نرساندن، برکت

۱- دانشجوی دوره دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام mo.faghih٦٧@gmail.com
۲- دانشیار و رئیس گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام dr.mahdi.izadi@gmail.com

طرح مسأله

یکی از القاب أمیرالمؤمنین علی (ع) که توسط رسول خدا (ص) به آن حضرت نسبت شده، لقب «یعسوب المؤمنین» است. این لقب با عنوان «یعسوب الدین» نیز از آن حضرت نقل شده است. در روایاتی که در منابع روایی اهل سنت و شیعه در باب «یعسوب المؤمنین» بودن علی (ع) نقل شده، به صورت ویژه بر روی تقابل میان دنیا طلبان و آخرت گرایان و نشان دادن میزانی برای تشخیص این دو جبهه تأکید صورت گرفته است. آخرت گریان و به عبارت روشن‌تر، مؤمنان واقعی، شاخص و امیرشان علی (ع) است، به طوری که هرچه به او نزدیکتر شوند به درجه بالاتری از ایمان دست یافته‌اند. این به این معناست که هرکس از این شاخص فاصله بگیرد، به ورطه دنیا طلبی و ثروت اندوزی خواهد افتاد؛ لذا علی (ع) فرمود: «مال و ثروت یعسوب منافقان و کفار است» (نک: ابن عدی،٥ / ٢٤٥ و ابن مردویه،٦٤ و ابن عساکر،٤٢ / ٣٠٤). در اینجا این سؤال مهم رخ نشان می‌دهد که انسان مؤمن چه ویژگی‌هائی دارد که به زنبور عسل تشبیه شده و امیر و جلودار او نیز «یعسوب» نام گرفته است؟ در ادامه قصد داریم تا برای تبیین معنای دقیق این لقب، ابتدا به بررسی آن از نگاه ارباب لغت بپردازیم و سپس از دیگر روایات موجود در منابع روایی اهل سنت که به نوعی به توضیح این سخن رسول خدا (ص) پرداخته‌اند و نیز اقوال علمای بزرگ متقدم آن‌ها بهره بجوییم. همچنین از آنجا که در مقام تبیین مفهوم «یعسوب المؤمنین» هستیم و نه اثبات صدور آن؛ لذا از روایات صادر از معصومین (علیهم السلام) که در منابع روائی شیعه نقل شده، نیز استفاده خواهیم نمود.

۱- بررسی لغوی واژه «یعسوب»

می‌توان ادعا کرد که ارباب لغت در مورد اصل واژه «یعسوب» اتفاق نظر دارند، اگرچه تعابیر آن‌ها مختلف است؛ تعابیری همچون: أمیر زنبورهای عسل (خلیل بن احمد،١ / ٣٤٢ و ابن منظور،١ / ٥٩٩ و فیروزآبادی،١ / ١٠٤ و طریحی،٢ / ١٢١ و زبیدی،٢ / ٢٣٢)، فحل زنبورهای عسل (خلیل بن احمد،١ / ٣٤٢ و ابن سلام،٣ / ٤٣٩ و زبیدی،٢ / ٢٣٢)، سید زنبورهای عسل (ابن سلام،٣ / ٤٣٩ و طریحی،٢ / ١٢١)، مَلِک زنبورهای عسل (جوهری،١ / ١٨١)، و رئیس زنبورهای عسل (فیروزآبادی،١ / ١٠٤) معرفی شده است.

اما آنچه در بررسی لغوی این واژه اهمیت دارد، استعمال ثانوی آن در معنای أمیر و رئیس یک قوم است. جوهری (م. ٣٩٣ق) در صحاح، پس از آنکه معنای اولیة یعسوب را بیان می‌دارد، به این نکته اشاره می‌کند که همانطور که به فرمانروای زنبورهای عسل «یعسوب» گفته می‌شود، به سید و آقای یک قوم هم «یعسوب» گفته می‌شود (نک: جوهری،١ / ١٨١). ابن منظور (م. ٧١١ق) به این

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

نکته تصریح می‌کند که معنای اصلی واژه «یعسوب»، أمیر زنبورهای عسل است؛ امّا در اثر کثرت استعمال به هر رئیسی «یعسوب» گفته می‌شود (نک: ابن منظور،۱ / ۵۹۹). فیروز آبادی (م. ۸۱۷ق) نیز یکی از معانی «یعسوب» را «رئیس بزرگ» بر می‌شمرد (نک: فیروزآبادی،۱ / ۱۰۴). طریحی (م. ۱۰۸۵ق) رفتار زنبورهای عسل در تبعیت از رهبرشان را آنقدر مثال زدنی و نمونه می-داند که باعث شده به عنوان ضرب المثل به کار برود. وی در بیان علت این مسأله می‌نویسد: "وقتی أمیر زنبورها، از کندو خارج می‌شود، تمام زنبورهای عسل وی را همراهی و تبعیت می‌کنند" (طریحی،۲ / ۱۲۱). سپس به سخن پیامبر (ص) اشاره می‌کند که فرمود: " [یا علی] تو یعسوب مؤمنان هستی و مال و ثروت یعسوب ظالمان است" (نک: اسکافی،۲۵۱ و ابن عدی جرجانی،٤ / ۲۲۹ و ابو نعیم اصفهانی،۱ / ۸٦) و می‌گوید: به همین دلیل است که به علی (ع)، «أمیر النحل» گفته می‌شود (طریحی،۲ / ۱۲۱).

بررسی کتب لغت نشان می‌دهد که کاربرد این واژه در معنای دوم، در قرون اولیة اسلامی در حال رواج یافتن بوده و در آن زمان هر دو معنا به کار می‌رفته است؛ اما پس از گذشت مدّتی و به سبب استعمال فراوان به صورت یک اسم عَلَم درآمده است. بنابراین می‌توان گفت گرچه در کاربردهای روایی، عبارت «یعسوب المؤمنین» تعبیر دیگری از لقب: «أمیرالمؤمنین» است؛ لکن باید توجه داشت با توجه به اینکه کاربردِ اول، هنوز رائج بوده، این تعبیر خالی از لطائف دقیق و ظریف نیست و گویا رسول خدا (ص) به نوعی، جامعه ایمانی را به جامعه زنبور عسل تشبیه کرده‌اند. در قسمت-های آتی به برخی از این لطائف اشاره خواهیم کرد.

۲- دسته بندی روایات

برخی از علمای اهل سنت منکر این فضیلت علی (ع) شده و آن را ساختگی برشمرده‌اند. برای نمونه ابن جوزی (م. ۵۹۷ق) در العلل المتناهیة، حدیث: «علي یعسوب المؤمنین و المال یعسوب المنافقین» را غیر صحیح و جعلی می‌خواند (نک: ابن جوزی،۱ / ۲٤۱). زرکشی (م. ۷۹٤ق) در اللآلیء المنثورة، حدیث «أمیر النحل علي» را جزء جملات شهرت یافته در میان مردم می‌داند (نک: زرکشی،۱ / ۱۷۵) و سخاوی (م. ۹۰۲ق) در المقاصد الحسنة، آن را بدون اصل برمی‌شمرد (نک: سخاوی،۱ / ۱٦٦). برای پاسخ به این تشکیکات به ارائه مستندات و گزارش‌های موجود در منابع روائی و تاریخی اهل سنت می‌پردازیم. این گزارش‌ها از سوی چند تن از صحابه و تابعین نقل شده که برای ارائه بهتر مطلب به دسته بندی این روایات می‌پردازیم:

۲-۱- روایت علی (ع) از رسول خدا (ص)

در روایتی که علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل نموده، آمده است که رسول خدا (ص) درباره آن حضرت فرمود: "علي «یعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «یعسوب» منافقان است" (ابن عدی،۵ / ۲٤۵ و ابن مردویه،٦٤ و ابن عساکر،٤۲ / ۳۰٤ و سیوطی،۲ / ۱۷۸ و ابن حجر هیتمی،۱۲۵ و متقی هندی،۱۱ / ٦۰٤). گفتنی است که در برخی از نقل‌ها به جای عبارت: «یعسوب منافقان» عبارت‌هایی مثل: «یعسوب ظالمان» (برای نمونه نک: اسکافی،۲۵۱ و ابن عدی جرجانی،٤ / ۲۲۹ و ابو نعیم اصفهانی،۱ / ۸٦) و «یعسوب کافران» (برای نمونه نک: ابن عساکر،٤۲ / ٤۲ و دمیری،۲ / ٥٦٤) آمده است.

۲-۲- معرفی علی (ع) از زبان خود آن حضرت

أبو عبد الله جدلی نقل می‌کند که روزی به محضر أمیرالمؤمنین علی (ع) وارد شدم. دیدم که در مقابلش مقداری طلا ریخته است. گفتم: ای امیر مؤمنان! اینها چیست؟ حضرت پاسخ داد: این «یعسوب» منافقان است. من به حضرت عرض کردم: ای مولای من! منظورتان چیست؟ علی (ع) پاسخ داد: این چیزی است که منافقان به آن پناه می‌برند و با آن آرامش می‌یابند؛ همانطور که من ملجأ و آرامش بخش مؤمنانم" (زجاجی،۱ / ٦). همین مضمون توسط أبي مسعر نیز نقل شده است (نک: ابو نعیم اصفهانی،۱ / ۸٦). در روایتی دیگر عباية ربعی، از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: "من «یعسوب» مؤمنانم و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است" (ابو نعیم اصفهانی،۱ / ۸٦). شایان ذکر است که در برخی از نقل‌های دیگر، قسمت دوم حدیث، یعنی: «یعسوب ظالمان»، به صورت‌های مختلف: «یعسوب ظالمان» (برای نمونه نک: اسکافی،۲۵۱) و «یعسوب فجار» (برای نمونه نک: زمخشری،۱ / ٤۲۰) و «یعسوب کفار» (برای نمونه نک: ابن اثیر،۵ / ۲۹۸) نقل شده است.

۲-۳- روایات موسی بن جعفر از اجداد پاکش (علیهم السلام)

امام کاظم (ع) از اجداد پاکش (علیهم السلام) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: "تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «یعسوب» مؤمنان هستی و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است" (شجری جرجانی،۱ / ۵۸).

۲-٤- روایت ابو رافع از جدش از ابوذر

در این روایت، ابو رافع از جدش و او نیز از ابوذر نقل می‌کند که گفته: "شنیدم رسول خدا (ص) به علی (ع) می‌گفت: تو اولین کسی هستی که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد و تو اولین کسی هستی که در روز قیامت با من مصافحه خواهی کرد. تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «یعسوب» مؤمنان هستی و مال و ثروت، «یعسوب»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

ظالمـان اسـت" (بـزار،۹ / ۳٤۲ و ابـن مردویـة،٦٥ و ٦٦ و شـجری جرجـانی،۱ / ۱۸۹ و ابـن عساکر،٤۲ / ٤۲ و ابن أبی الحدید،۱۳ / ۲۲۸). در برخی از منـابع نیـز تنهـا ایـن قسـمت از کـلام رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) نقل شده که: "تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میـان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «یعسوب» مؤمنانی" (نک: طبری،٥٦).

۲-٥- روایت ابو سخیله از ابوذر و سلمان

«ابوسخیله» راوی دیگر این جریان است. وی از دو صحابی بزرگ پیامبر (ص) یعنی ابوذر و سلمان نقل می‌کند که رسول خدا (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: "همانا این فرد اولین کسی است که به من ایمان آورد و او اولین کسی خواهد بود که در روز قیامت با من مصـافحه خواهـد کـرد. او صدیق اکبر و فاروق است؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. او «یعسوب» مؤمنان و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان اسـت (طبرانـی،٦ / ۲٦۹ و ابـن عسـاکر،٤۲ / ٤۱ و کنـانی،۱ / ۳٥۳ و مناوی،٤ / ۳٥۸). برخی از علمای اهل سنت این ماجرا را با اندکی تفاوت نقـل نمـوده‌انـد (برای نمونه نک: بلاذری،۱ / ۲۸۲ و متقی هندی،۱۱ / ٦۱٦).

۲-٦- روایت ابو لیلی غفاری از رسول خدا (ص)

«ابو لیلی غفاری» یکی دیگر از صحابه رسول خدا (ص) است که از آن حضرت نقل مـی‌کنـد کـه فرمود: "بعد از من فتنه بزرگی پدید خواهد آمد؛ پس هرگاه چنین شد، بر شما باد که ملازم علي بـن أبي طالب (ع) باشید؛ زیرا همانا او اولین کسی بود که به من ایمان آورد و او اولین کسی خواهد بود که در روز قیامت با من مصافحه خواهد کرد. او صدیق اکبر و فاروق این امت است. او «یعسـوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «یعسوب» منافقان است." (ابن حجر،۷ / ۲۹٤).

۲-۷- روایت ابن عباس

در روایتی دیگر، هشدار نسبت به وقوع فتنه‌ای عظیم و دعوت به ملازمت با علی (ع) از زبـان «ابـن عباس» که یکی از صغار صحابه محسوب می‌شود، نقل شده است. وی در بیان علت دعوت به این ملازمت می‌گوید: "من از رسول خدا (ص) در حالی که دستان علی (ع) را گرفته بـود، شـنیدم کـه می‌فرمود: این فرد اولین کسی است که به من ایمان آورد و او اولین کسی خواهـد بـود کـه [در روز قیامت] با من مصافحه خواهد کرد. او فاروق این امت است؛ فاروقی که میان حق و باطـل جـدایی ایجاد می‌کند. او «یعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است. او صدیق اکبر، خلیفه بعد از من و بابی است که باید از او وارد شد" (ابن مردیة، ٦٦ و ابن عساکر،٤۲ / ٤۲).

۳- تحلیل معنایی با استفاده از خانواده حدیثی

تاکنون معنای لغوی واژه «یعسوب» و روایات و گزارش‌های تاریخی فراوانی که توسط علمای بزرگ اهل سنت نقل شده و در آن به صراحت، علی (ع)، «یعسوب المـؤمنین» و «یعسـوب الـدّین» نـام گرفته بود، از نظر گذشت. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های معنایی واژه «یعسوب» که می‌تواند تشـبیه صورت گرفته میان جامعه انسانی و جامعه زنبور عسل را موجه نشان دهد، اشاره می‌کنیم:

۳-۱- تقیه و حفظ اسرار

تقیه از ارکان مذهب حقة امامیة و از ملازمات انسان مؤمن در شرائط حساس است تـا آنجـا کـه در متون اسلامی کسی که این امر را نپذیرد، بی دین معرفی شده است (نک: کلینـی،۲ / ۲۱۷). انسـان مؤمن با این کار، نه تنها به ارزش‌های والای انسانی و الهی خود بی‌توجهی نمی‌کند؛ بلکه با زیرکـی خود، موجبات تداوم مذهب حقّ شیعه را فراهم مـی‌آورد. در جوامـع روایـی اهـل سـنت و شـیعه، روایاتی وجود دارد که انسان مؤمن را از این منظر با زنبور عسل مقایسه نموده است. در ادامه به چند دسته از این نوع روایات اشاره می‌کنیم:

۳-۱-۱- حدیث: «شیعتنا بمنزلة النحل»

امام صادق (ع) در سخنی خطاب به اصحاب خود می‌فرماید: "بخاطر حفـظ دینتـان تقیـه کنیـد، و دینتان را با تقیه زیر پرده مخفی دارید؛ زیرا هرکس تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگانید" (برقی،۱ / ۲٥۸ و کلینی،۲ / ۲۱۸). آن حضرت سپس در مقام تبیین این تشبیه خود اضافه می‌کند: "اگر پرندگان بدانند، در درون زنبور عسل چیست، همـه آنهـا را می‌خورند؛ به همین صورت، اگر مردم از آنچه در درون شماست - یعنی حب ما اهل بیـت - مطلـع شوند، با سعایت و سخن چینی آن قدر شما را آزار خواهند داد، تا بالأخره شما را ریشه کـن و نـابود نمایند" (برقی،۱ / ۲٥۸ و کلینی،۲ / ۲۱۸). گفتنی است ابن بابویـه (م. ۳۸۱ق) در کتـاب خصـال، ضمن نقل حدیث أربعمئة امیرالمؤمنین (ع)، این قسمت از کـلام آن حضـرت را آورده کـه فرمـود: "شیعیان مانند زنبور عسل هستند؛ اگر مردم از آنچه در درون آنهاست - یعنی حـب مـا اهـل بیـت - مطلع شوند، با سعایت و سخن چینی خود آنها را ریشه کن و نابود می‌کنند" (ابن بابویه،٦۲٥).

از روایت فوق استفاده می‌شود که یکی از اسراری که مـؤمن در شـرائط خـاص، مـأمور بـه مخفـی نمودن آن است، مذهب است؛ زیرا همواره یکی از مهمتـرین دغدغـه‌هـای ائمـه طـاهرین (علـیهم السلام)، حفظ شیعیان از خطر و بقای این صراط مستقیم تا قیام قیامت بوده است.

۳-۱-۲- حدیث: «کونوا في الناس کالنحلة»

امیرالمؤمنین علی (ع) به یاران و شیعیان خود می‌فرمود: "در میان مردم، مانند زنبور عسـل در میـان پرندگان دیگر باشید؛ زیرا هیچ پرنده‌ای نیست، مگر اینکه او را خوار و حقیر می‌شـمرد. امـا همـین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

پرندگان اگر از برکتی که در شکم زنبور عسل وجود دارد مطلع بودند، هرگز با او اینگونه رفتار نمی-کردند و او را رها نمی‌ساختند" (نعمانی،۲۱۷ و مفید،۱۳۱). آن حضرت سپس به یاران خود توصیه می‌کند که به گونه‌ای در میان مردم زندگی کنند که تنها بدن‌هایشان در میان آنها باشد و اعمال و قلب‌هایشان متأثر از آنها نباشد (نک: نعمانی،۲۱۷ و مفید،۱۳۱).

علامه مجلسی در تبیین مراد حضرت از امر به بودن مثل زنبور عسل می‌نویسد: "این فرمان امام، أمر به تقیة است؛ یعنی مؤمنان نباید دین حقی که بر آن هستند - یعنی شیعه علی (ع) - را اظهار نمایند و باید مانند زنبور عسل آنچه را در درون دارند، پنهان نگه دارند و الا نابود می‌شوند" (مجلسی،۵۲ / ۱۱۶). جالب توجه آنکه بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت، این کلام حضرت خطاب به شیعیانش را به طور کامل نقل نموده‌اند (برای نمونه نک: دارمی،۱ / ۹۲ و ابن عساکر،۴۲ / ۵۰۹ و زرندی، ۱۵۱ و ابن حجر هیتمی، ۱۳۰).

اما نوع دیگر تقیه، پنهان داشتن اسرار خاندان عترت و طهارت است. روایات متعددی وجود دارد که در آن، سخنان اهل بیت، «صعب مستصعب» نامیده شده است. در این گونه روایات به شیعیان توصیه شده که هر سخنی که از خاندان پیامبر (ص) به آنها رسید و دل‌هایشان در برابر آن آرامش یافت و آن را آشنا دید، بپذیرند و سخنی را که دلشان از آن رمید و ناآشنایش دید، به خدا و پیامبر و عالم آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) واگذارند (نک: کلینی،۱ / ۴۰۱). همچنین به آنها توصیه شده تا احادیثی را که در جمع‌های خصوصی و برای شیعیان خاص بیان شده، در سینه حفظ کرده و افشاء ننمایند؛ زیرا اگر این سخن را برای غیر اهلش بازگو نمایند، از آنجا که پذیرش این سخن برای وی سنگین می‌نماید، آن را انکار می‌نماید؛ و به همین سبب از ولایت اهل بیت خارج شده و این امر موجبات کفر او را فراهم می‌آورد (نک: کلینی،۲ / ۲۲۳). همچنین در روایات، از افشاء اسرار اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان قتل عمد ایشان یاد شده است (نک: برقی،۲۵۶). در برخی از روایات تفسیری که بیشتر جنبه تأویلی دارد، نیز ضمن اینکه در آن اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان نحل معرفی شده‌اند، به این نکته نیز اشاره شده که منظور از آنچه از شکم نحل خارج می‌شود، معارف توحیدی و علم سرشار خاندان نبوت است. برای نمونه در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م. ۳۲۹ق)، روایت مسندی از حریز بن عبد الله از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت در تفسیر آیه: «**وَأَوْحى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ**» (النحل، ۶۸) فرمود: "ما نحل هستیم که خدای عزوجل بر او وحی کرد" (قمی،۱ / ۳۸۷). سپس در بیان فراز بعدی آیه یعنی: «**يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ**» (النحل، ۶۹) فرمود: "منظور علمی است که از قِبَل ما به شما می-رسد" (قمی،۱ / ۳۸۷). مضمون همین روایت، در تفسیر عیاشی (م. ۳۲۰ق) - البته با اضافاتی -

از مسعدة بن صدقة از امام صادق (ع) نقل شده است (نک: عیاشی،۲ / ۲۶۴). در میان علمای اهل سنت نیز، ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق) در الأغانی، به این مطلب در خلال بیان یک واقعه تاریخی اشاره کرده است (نک: ابوالفرج اصفهانی،۳ / ۱۱۱). بنابراین انسان مؤمن وظیفه دارد که این معارف ناب را در سینه خود نگاه دارد و آن را به اهلش واگذارد. به عنوان مؤیدی بر ارتباط مؤلفه علم در معنای «یعسوب المؤمنین»، می‌توان به مواردی اشاره کرد که علی (ع) تحدی به پرسش می‌کند و می‌فرماید: «از من پرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید. به خدا سوگند، من به راه‌های آسمان عالم‌ترم تا به راه‌های زمین.» سپس بلافاصله بعد از این سخنان می‌فرماید: «أنا یعسوب المؤمنین» (برای نمونه نک: مجلسی،۵۲ / ۲۷۲).

۳-۲- طهارت ظاهر و باطن

در منابع روائی فریقین، روایاتی با این مضمون به چشم می‌خورد که در آن، مؤمن به زنبور عسل تشبیه شده است. در منابع اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل شده که آن حضرت در بیان وجه این تشبیه فرمود: "به این خاطر که هر دو تنها از طیبات تناول می‌نمایند و تنها محصولات طیب و طاهر تحویل می‌دهند" (نک: حاکم نیشابوری،۱ / ۷۵ و رامهرمزی،۶۷ و هیثمی،۱۰ / ۲۹۵). برخی متن این روایت را به عبد الله بن عمرو عاص منسوب دانسته و از وی نقل کرده‌اند (نک: ابن ابی شیبة،۸ / ۱۴۱ و بیهقی،۵ / ۵۸). اما در میان روایات شیعه، روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که آن حضرت از اجداد طاهرنش نقل می‌کند که رسول خدا (ص) مؤمنان را از کشتن چند حیوان منع فرموده بود که یکی از آنها زنبور عسل است. سپس در بیان وجه این منع در مورد زنبور عسل فرمود: "... اما منع از کشتن زنبور عسل، به این خاطر است که او جز از طیبات تناول نمی‌کند و از او نیز چیزی جز طیب و پاک خارج نمی‌شود و او همان موجودی است که خدای عزوجل بر او وحی فرموده است (ابن بابویه، ۳۲۷ و حر عاملی،۸ / ۲۷). نکته محوری این دسته از روایات آن است که انسان مؤمن همان گونه که زنبور عسل از چیزهای آلوده، دوری می‌کند؛ از گناهان و پلیدي‌ها و آلودگي‌هاي جسمي و روحی اجتناب مي‌ورزد.

همان طور که قبلا نیز بیان شد، یعسوب، امیر زنبورهای عسل است و از همه آنها نیز با درایت‌تر. وی بر در کندو ایستاده و دهان هر زنبور عسلی که می‌خواهد وارد کندو شود را می‌بوید. چنانکه از دهان آن زنبور بوی بدی استشمام کند، متوجه می‌شود که از گیاه بدی تغذیة کرده؛ لذا او را به دو نیم کرده و جسدش را بر در کندو می‌اندازد تا موجب عبرت برای دیگران گردد. سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص در بیان وجه تسمیة امیرالمؤمنین به یعسوب المؤمنین ضمن اشاره به همین لطیفه می‌نویسد: "علی (ع) نیز بر در بهشت می‌ایستد و دهان همه مردم را می‌بوید. پس هرکس به اندازه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

ذره‌ای رائحه بغض علی (ع) از دهانش به مشام برسد، علی (ع) وی را در آتش می‌اندازد (سبط ابـن جوزی، ٤ و ٥).

۳-۳- اطاعت از فرمان امیر

یکی از وجوه تشابه میان زنبور عسل و انسان مؤمن، این است که هر دو مطیع و منقاد امیر و فرمانده خود هستند (نک: ابن اثیر، ٥ / ۳۰). زنبور عسل، آنچه را که دوست دارد، انجام نمی‌دهد؛ بلکـه در سطح کلان طبق فرمان خالق خویش و در سطح حیات اجتماعی طبق فرمان امیر کندو عمل مـی-کند. قرآن کریم، زنبور عسل را مطیع امر پروردگارش معرفی می‌کند به طوری که دقیقـا طبـق آنچـه به او فرمان داده شده مراحل تولید عسل را طی می‌کند (نک: النحل، ٦٨ - ٦٩). از سـوی دیگـر و در سطح حیات اجتماعی، زنبورهای عسل در کندو تحت فرمان امیری قرار دارند که یعسوب نامیده می‌شود. عادت زنبورهای عسل این است که هرگز بدون یعسوب خود از کندو خـارج نمـی‌شـوند و هنگام بازگشت نیز به همراه او و پشت سر او حرکت می‌کنند. یعسـوب در میـان آنهـا کـاملا مطـاع است و آنها هرگز از دستورات او سرپیچی نمی‌کنند (نک: دمیری، ۲ / ٥٦٥). در مقابل، یعسوب نیز وظیفه دارد تا از زنبورهای عسل حمایت کرده و تدبیر امور آنها را بر عهده بگیرد. جایگاه او در نظـام اجتماعی زنبورهای عسل بقدری کلیدی و محوری است که اگر از میان بـرود، نظـام کنـدو مختـل شده و همه چیز به هم می‌ریزد (نک: طبرسی، ٦ / ۱۷۷ و فیض کاشانی، ۳ / ١٤٤). علـی (ع) بـرای بیان جایگاه خود در میان مؤمنین، از گویاترین تشبیه‌ها استفاده کـرده و خـود را یعسـوب المـؤمنین نامیده است. دمیری در حیاة الحیوان پس از توضیح واژه یعسوب، به روایت پیامبر (ص) اشاره می-کند که در آن علی (ع) از سوی ایشان یعسوب المؤمنین خوانده می‌شود. سپس می‌نویسد: "معنـای این عبارت آن است پناه مؤمنان و الگو و اسوه آن‌ها علی (ع) است. از همین روست که به علی (ع) امیر النحل نیز گفته شده است" (دمیری، ۲ / ٥٦٥). شریف رضی نیـز در شـرح کـلام حضـرت در نهج البلاغه به مسأله تبعیت مؤمنان از امیر خود اشاره می‌کند (شریف رضی (به کوشـش دشـتی)، حکمت ۳۱٦). انسان مؤمن، امیال نفسانی خود را امیر خـود قـرار نمـی‌دهـد، بلکـه مطیـع فرمـان امیرالمؤمنین است.

۳-٤- آزار نرساندن به دیگران

یکی از ویژگی‌های زنبور عسل بی آزار بودن است. این حیوان فقط در مواقع خطر، آن هم برای دفاع از خود، نیش می‌زند. از جمله مشابهت‌های میان زنبور عسل و انسـان مـؤمن نیـز، همـین کـم آزار بودن اوست (نک: ابن اثیر، ٥ / ۳۰). فرد باایمان به گونه‌ای است کـه مـردم از دسـت و زبـان او در امانند. او ظالم و درصدد آزار رساندن به دیگران نیست؛ بلکه تنها در شرایطی که ایجاب می‌کند، از

خود دفاع می‌نماید. امام صادق (ع) در بیان ویژگی‌های انسان مؤمن، می‌فرمایند: مؤمن کسی است که مردم از شر او در امانند و او با مردم با انصاف رفتار می‌کند (کلینی، ۲ / ۲۳٥).

۳-٥- نافع بودن و برکت داشتن

زنبور عسل با تولید عسـل، بـه انسـان‌هـا خیـر فـراوان مـی‌رسـاند. در مبحـث تقیـة بـه روایتـی از امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره شد. در این قسمت نیز قصد داریم به این روایت از منظر دیگری توجـه کنیم. علی (ع) به یاران و شیعیان خود فرمود:"در میان مردم، ماننـد زنبـور عسـل در میـان پرنـدگان دیگر باشید؛ زیرا هیچ پرنده‌ای نیست، مگر اینکه او را خوار و حقیر می‌شمرد. امـا همـین پرنـدگان اگر از برکتی که در شکم زنبور عسل وجود دارد مطلع بودند، هرگز با او اینگونه رفتار نمی‌کردند و او را رها نمی‌ساختند" (نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱). در این روایت، در مورد آنچه در درون شکم زنبـور عسل است، تعبیر به برکت شده است. از سوی دیگر گفته شـده کـه زنبـور عسـل در نگـاه ظـاهری پرندگان، موجودی حقیر و بی‌مایه جلوه می‌کند. انسان مؤمن نیز وجودش برای جامعه پر از خیـر و برکت است و بسیاری از بلاها، به برکت وجود او از اهل معصیت برداشته می‌شود (نک: کلینـی، ۱ / ٥۲۸)؛ اما معمولا این انسان‌ها، در میان افراد جامعه، افرادی حقیر به حساب می‌آیند و مردم قدر و منزلت آنها را نمی‌شناسند. علی (ع) در خطبه‌ای که به نام «متقین» مشهور است، برخی از صـفات اهل تقوا را برمی‌شمرد. از جمله می‌فرماید: "پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی بـا تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است. کسی که بـه آنهـا مـی‌نگـردد، گمان می‌کند که بیمارند؛ اما آنان بیمار نیستند. در مورد آنها می‌گوید: چقدر آشفته‌اند! در صـورتی که آشفتگی ظاهریشان، نشان از امر بزرگی است (شریف رضی، خطبه ۱۹۳).

٤- تحلیل معنایی با استفاده از دیگر روایات مرتبط

در این قسمت به روایات نظیری اشاره می‌شود که اگرچه در آن به صورت مسـتقیم بـه زنبـور عسـل اشاره نشده و جزء خانواده حدیثی محسوب نمی‌شوند؛ اما تحلیل معنائی این گونه روایات، به طـور غیر مستقیم، ما را در فهم بهتر و عمیق‌تر احادیث مورد بحث یاری خواهد نمود.

٤-۱- «أنت أمیرالمؤمنین» و «الحق مع علی و علی مع الحق»

در ابتدای کلام به میزان اعتبـار ایـن دو حـدیث در کتـب اهـل سـنت مـی‌پـردازیم. اطـلاق لقـب «امیرالمؤمنین» بر علی (ع) در زمان رسول خدا (ص) و توسط خود آن حضـرت صـورت گرفتـه و این فضیلت بزرگ تنها به ایشان اختصاص دارد. روایات متعددی در کتب معتبر اهـل سـنت وجـود دارد که این حقیقت را ثابت می‌کند. برای نمونه در روایتـی از بریـدة أسـلمي نقـل شـده کـه گفتـه: "رسول خدا (ص) به ما فرمان داد که هرگاه می‌خواهیم به علی (ع) سلام دهـیم، بگـوییم: «السـلام

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

علیک یا أمیر المؤمنین و رحمة الله وبرکاته» (ابن عساکر، ٤٢ / ٣٠٣). همو از خلیفه دوم نقل می-کند که در شأن علی (ع) گفت: "این علی بن أبی طالب است. من خود شاهد بودم که رسـول خـدا (ص) می‌فرمود: اگر آسمان‌های هفتگانه و هفت طبقه زمین را در یک کفه ترازو و ایمان علی (ع) را نیز در کفه دیگر قرار دهند، به راستی ایمان علی (ع) سنگینی خواهد کرد" (ابن عساکر، ٤٢ / ٣٤١). از شواهد مهم دیگری که می‌توان برای تسمیة آن حضرت به «امیرالمؤمنین» یـاد کـرد، ایـن جملـه معروف «ما أنزل الله آیة فیها: (یا أیها الذین آمنوا) إلا و علي أمیرها» اسـت کـه توسـط چنـد تـن از صحابه رسول خدا (ص) و تابعین آن حضرت با عبارت‌های گوناگون نقل گردیده است (برای نمونه نک: ابن ابی حاتم رازی، ١ / ١٩٦ و ٣ / ٧١٨ و ٥ / ١٦٦٩ و طبرانی، ١١ / ٢١١ و حسـکانی، ١ / ٣٠ و ٦٤ و ٦٧ و ٦٨ و ابو نعیم اصفهانی، ١ / ٦٤ و ابن عساکر، ٤٢ / ٣٦٣). همچنین هیچ مدرکی دال بر اطلاق این لقب در زمان حیات رسول خدا (ص) بر خلفای سه گانه اهل سنت وجـود نـدارد. ابـن خلدون (م. ٨٠٨ق) در مقدمه تاریخش، تسـمیه خلیفـه بـا نـام «أمیرالمـؤمنین» را از مسـتحدثات بوجود آمده در دوران خلفاء می‌دانـد (نـک: ابـن خلـدون، بـی‌تـا: ج١ / ص٢٢٧). ابـن حجـر (م. ٨٥٢ق) در فتح الباری و عینی (م. ٨٥٥ق) در عمدة القاری بر این مطلب تصریح دارند کـه اولـین کسی که با عنوان «أمیرالمؤمنین» خوانده شد، عمر بود و پیش از آن ابوبکر با عنـوان خلیفـه رسـول خدا (ص) در میان مردم شهرت داشت (نک: ابن حجر، ٧ / ٢٨٥ و عینـی، ١٧ / ١٦٠). امّـا دربـاره اعتبار حدیث دوم گفتنی است این عبارت، سخن مشهوری از رسول خدا (ص) اسـت کـه آن را در حق علی (ع) فرمود. علمای بزرگ اهل سنت با عبارات مختلف این روایت را نقل کـرده‌انـد (بـرای نمونه نک: خطیب بغـدادی، ١٤ / ٣٢٢ و ابـن عسـاکر، ٤٢ / ٤٤٩ و ابـن مغـازلی، ١١٩ و ابـن أبـی الحدید، ٢ / ٢٩٧ و هیثمی، ٧ / ٢٣٥ و فخر رازی، ١ / ٢٠٥). ابن ابـی الحدیـد، در شـرح حکمـت ٣٢٢ نهج البلاغه که در آن امیرالمؤمنین (ع) خود را «یعسوب المؤمنین» معرفی می‌نمایـد، اظهـار می‌دارد که این لقبی است که رسول خدا (ص)، علی (ع) را با آن مورد خطاب قـرار داد؛ گـاهی بـا لفظ «یعسوب الدّین» و گاهی با لفظ «یعسوب المـؤمنین» (نـک: ابـن أبـی الحدیـد، ١٩ / ٢٢٤). سپس بنا بر هر کدام از این الفاظ، معنایی را ارائه می‌دهد. وی معتقد است که حضـرت بـا خطـاب قرار دادن علی (ع) با لقب «یعسوب المؤمنین» گویی او را به عنوان رئـیس و آقـای مؤمنـان معرفـی نموده است (نک: ابن أبـی الحدیـد، ١٩ / ٢٢٤). بـه عبـارت دیگـر ابـن ابـی الحدیـد، «یعسـوب المؤمنین» را تعبیر دیگری از لقب «أمیرالمؤمنین» می‌داند. اما از نگاه او، عبارت «یعسوب الـدین» حامل این معناست که رسول خدا (ص) دین را تابع علی (ع) دانسته که به دنبال او حرکت می‌کنـد، آنگونه که زنبور عسل به دنبال امیر خود حرکت می‌کند و این همان معنای دعایی اسـت کـه رسـول

خدا (ص) در حق علی (ع) نمود که: «خدایا هر کجا علی (ع) هست، حق را همان جـا قـرار ده.» (نک: ابن أبی الحدید، ١٩ / ٢٢٤).

٤-٢- «لا یحبك إلا مؤمن ولا یبغضك إلا منافق» و «أنا قسیم النار و الجنة»

بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت این دو حدیث را در کتب خود نقل نموده‌اند. برای نمونـه احمـد بن حنبل (م. ٢٤١ق) در مسند خود و ترمذی (م. ٢٧٩ق) و نسائی (م. ٣٠٣ق) در سنن خود، ایـن سخن رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) را نقل کرده‌اند که فرمود:"ای علی تو را جز انسان مؤمن دوست نمی‌دارد و هـرکس بغـض تـو را در دل داشـته باشـد، منـافق اسـت" (ابـن حنبـل، ١ / ٩٥ و ترمذی، ٥ / ٣٠٦ و نسائی، ٨ / ١١٦) و اما کلام علی (ع) که فرمـود: «مـن تقسـیم کننـده آتشـم» را بزرگانی همچون ابن قتیبه دینوری (م. ٢٧٦ق) در غریب الحدیث، جرجانی (م. قـرن٥) در أمـالی، ابن کثیر (م. ٧٧٤ق) در البدایة و النهایة نقل نموده‌اند (نک: دینوری، ١ / ٣٧٧ و جرجانی، ١ / ١٧٧ و ابن کثیر، ٤ / ٦١).

حال که از اعتبار این احادیث در کتب اهل سنت اطمینان یافتیم، به سراغ موضوع اصلی بحث می-رویم. در بخش (٣-٢) که به طهارت ظاهری و باطنی مؤمن به عنوان یکی از مشـابهت‌هـای او بـا زنبور عسل اشاره کردیم، کلام لطیفی از سبط ابن جـوزی، در بیـان وجـه تسـمیة امیرالمـؤمنین بـه «یعسوب المؤمنین» را ذکر کردیم که در اینجا نیز به فراخور حال دوباره آن را متذکر می‌شـویم. وی می‌نویسد: "علی (ع) بر در بهشت می‌ایستد و دهان همه مردم را می‌بوید. پس هرکس به اندازه ذره-ای رائحه بغض علی (ع) از دهانش به مشام برسد، علی (ع) وی را در آتش مـی‌انـدازد (سـبط ابـن جوزی، بی‌تا: صص٤ و ٥). با این تبیین، ارتباط وثیقی میان معنای این لقـب و معنـای دو حـدیث مذکور آشکار می‌گردد؛ زیرا حداقل معنائی که از عبارت «أنا قسیم الجنه و النار» برداشت می‌شود، همین معنایی است که سبط ابن جوزی به آن اشاره نمود. مؤید این معنا روایتی است که محمد بـن منصور طوسي از أحمد بن حنبل نقل می‌کند. وی در پاسخ به فردی که از معنای قسیم النار و الجنة بودن علی (ع) سؤال می‌نمود، گفت: "آیا این سخن رسول خـدا (ص) را نشـنیده‌ای کـه فرمـود: ای علی تو را جز انسان مؤمن دوست نمی‌دارد و هرکس بغض تو را در دل داشته باشـد، منـافق اسـت؟ محمد می‌گوید: آن شخص و ما که در نزد احمد بودیم همگی گفتیم: آری شـنیده‌ایـم. ابـن حنبـل گفت: جایگاه مؤمن کجاست؟ پاسخ دادیم: بهشت. احمد دوباره پرسید: جایگاه منافق کجاسـت؟ ما جواب دادیم: آتش. احمد گفت: پس علی تقسیم کننده بهشت و آتـش در میـان بنـدگان اسـت" (جرجانی، ١ / ١٧٧). به عنوان کلام آخر در این بخش به سخن آلوسی اشاره می‌کنیم کـه در تبیـین معنای قسیم النار والجنة می‌نویسد: "مراد علی (ع) از این سخن که گفت: «أنا قسیم النار و الجنـة»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

این است که مردم در این امّت دو گروهند: گروهی با من هستند؛ اینان هدایت یافتـه‌انـد و گروهـی هم علیه من هستند؛ اینان گمراه شدگانند. پس گروهی با مـن در بهشـت هسـتند و گروهـی نیـز در آتشند (آلوسی، ۳۰ / ۱۱۹).

۵- سبب صدور این لقب از جانب رسول خدا (ص)

در کتاب «تاریخ المستبصر» سبب صدور جالبی به نقل از عیسی بن أبي البرکات برای ایـن تسـمیه ذکر شده است. ماجرا از این قرار است که در زمان جاهلیت قبیله «بنی سلیم» تعداد بسـیار زیـادی زنبور عسل داشتند و زمانی که دشمن به آنها حمله می‌کرد، در کندوهای آنها دود ایجاد می‌کردنـد. در این هنگام زنبورهای عسل بیرون می‌آمدند و توده عظیم سیاه رنگی شبیه ابر، بر سر دشمن پدیـد می‌آورند و دشمن که از مشاهده آنها ترسیده بود، فرار می‌کرد. بنی سـلیم بـا ایـن شـیوه بـر تمـامی دشمنان خود پیروز شده بودند تا اینکه خدای متعال، اسلام را به وسیله پیـامبرش علنـی کـرد. بنـی سلیم طبق عادتشان همان کار را برای مقابله با لشکریان رسول خدا (ص) انجام دادنـد. زمـانی کـه زنبورها به سمت لشکریان اسلام حرکت کردند، رسول خدا صدا زد: کجاست «یعسـوب الـدین»؟ کسی پاسخ حضرت را نداد. حضرت دوباره صدا زد: کجاست «أمیر نحل»؟ باز کسی پاسخ نـداد. در این هنگام رسول خدا (ص) فرمود: کجاست علی بن أبـی طالـب؟ وقتـی علـی (ع) ایـن نـدای رسول خدا (ص) را شنید، شمشیر ذوالفقارش را برداشت و به سمت زنبورها حمله ور شد. زنبورهـا بازگشتند و به سمت بنی سلیم رفته و آنها را نیش زدند. لذا بنی سلیم مجبور به فرار شـدند. بـه ایـن صورت بود که خدای متعال بلندی‌های بنی سلیم را توسط علی (ع) فتح کرد. پس از فتح و پیروزی اصحاب از رسول خدا (ص) پرسیدند: ای رسول خدا! چرا علی (ع) را یعسوب نامیدی و حال آنکه یعسوب مربوط به زنبور عسل است؟! حضرت در پاسخ، فرمود: مؤمن همانند زنبور عسـل اسـت؛ جز از پاکی‌ها تناول نمی‌کند و از او نیز چیزی جز طیب و پاک خارج نمـی‌شـود (شـیبانی،۱ / ٦)." ابن أبی البرکات در پایان می‌گوید: از همین زمان و به خاطر این واقعه بود کـه علـی (ع) «یعسـوب الدین» و «أمیر النحل» لقب گرفت (شیبانی،۱ / ٦).

نتایج مقاله

«یعسوب» در لغت به معنای أمیر زنبورهای عسل است و به طـور مجـازی بـر رئـیس هـر قـوم نیـز اطلاق می‌شود.

در کلام رسول خدا (ص) دو تعبیر «یعسوب الدین» و «یعسوب المؤمنین» بر علی (ع) اطلاق شده است.

«یعسوب الدین» حامل این معناست که رسول خدا (ص) دین را تابع علی (ع) دانسته که بـه دنبـال او حرکت می‌کند، آنگونه که زنبور عسل به دنبال امیر خود حرکت می‌کند و این همان معنای دعایی است که رسول خدا (ص) در حق علی (ع) نمود که: «خـدایا هـر کجـا علـی (ع) هسـت، حـق را همان جا قرار ده.

رسول خدا (ص) با خطاب قرار دادن علی (ع) با لقب «یعسوب المؤمنین» او را به عنـوان رئـیس و آقای مؤمنان معرفی نموده اسـت. بـه عبـارت دیگـر «یعسـوب المـؤمنین» تعبیـر دیگـری از لقـب «أمیرالمؤمنین» است.

در روایات انسان مؤمن به زنبور عسل تشبیه شده است. در این تشبیه می‌توان به چند مؤلفه معنـایی به عنوان وجه تشابه اشاره نمود؛ مانند: تقیه و حفظ اسرار، طهارت ظاهر و باطن، اطاعت از فرمـان امیر، آزار نرساندن به دیگران، نافع بودن و برکت داشتن.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- ابن أبي الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة، قاهره: دار إحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق.

۳- ابن أبي حاتم رازي، عبد الرحمن، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الفکر، ١٤٢٤ق.

٤- ابن أبي شیبة، عبد الله، المصنف، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٩ق.

٥- ابن أثیر، مبارك بن محمد، النهایة في غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسة إسماعیلیان، ١٣٦٤ش.

٦- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیة، ١٤٠٣ق.

۷- ابن جوزي، عبد الرحمن، العلل المتناهیة في الأحادیث الواهیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤٠٣ق.

۸- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.

۹- همو، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ق.

۱۰- ابن حجر هیتمی، أحمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بیروت: دار النشر، ۱۳۸۵ق.

۱۱- ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار إحیاء التراث العربي، بی‌تا.

۱۲- ابن سلام، قاسم، غریب الحدیث، بیروت: دار الکتاب العربی، ١٣٨٤ق.

۱۳- ابن عدي جرجاني، عبد الله، الکامل في ضعفاء الرجال، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٩ق.

١٤- ابن عساکر، علي بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دار الفکر، ١٤١٥ق.

١٥- ابن قتیبة دینوري، عبد الله، غریب الحدیث، قم: دار الکتب العلمیة، ١٤٠٨ق.

١٦- ابن کثیر، اسماعیل، البدایة والنهایة، بیروت: دار إحیاء التراث العربي، ١٤٠٨ق.

۱۷- ابن مجاور شیباني، یوسف بن یعقوب، تاریخ المستبصر، بی‌جا، دار النشر، بی‌تا.

۱۸- ابن مردویه اصفهاني، أحمد بن موسی، مناقب علي بن أبي طالب (ع)، قم: دار الحدیث، ١٤٢٤ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]

۱۹- ابن مغازلي، على بن محمد، مناقب علي بن أبي طالب (ع)، انتشارات سبط النبي (ص)، ١٤٢٦ق.
۲۰- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، ١٤٠٥ق.
۲۱- ابو الفرج اصفهانی، الأغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۲- اصفهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، بیروت: دار النشر، بی‌تا.
۲۳- ابن حنبل، أحمد ، مسند أحمد، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
٢٤- إسكافي، محمد بن عبد الله، المعيار والموازنة، بی‌جا، بی‌نا، ١٤٠٢ق.
۲۵- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
۲۶- برقی، أحمد بن محمد، المحاسن، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٠ق.
۲۷- بزار، أحمد بن عمرو، مسند بزار، بیروت: مؤسسة علوم القرآن، ١٤٠٩ق.
۲۸- بلاذری، أحمد بن یحیی، أنساب الأشراف، مصر،:دار المعارف، ١٩٥٩م.
۲۹- بيهقي، أحمد بن حسين، شعب الإيمان، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
۳۰- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذي، بیروت: دار الفكر، ١٤٠٣ق .
۳۱- جري جرجاني، يحيى بن حسين، الأمالي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ق.
۳۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، ١٣٧٦ق.
۳۳- حاكم حسكاني، عبيد الله بن أحمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١١ق.
۳٤- حاكم نيشابوری، ابو عبد الله، المستدرك على الصحيحين، بيروت: دار المعرفة، بی‌تا.
۳۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البیت (ع) لإحیاء التراث، ١٤١٤ق.
۳۶- همو، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.
۳۷- خطیب بغدادی، أحمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق.
۳۸- دارمی، عبد الله، سنن دارمي، دمشق: مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق.
۳۹- دميري، كمال الدين، حياة الحيوان الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
٤٠- رامهرمزي، حسن بن عبد الرحمن، أمثال الحديث المروية عن النبي (ص)، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤٠٩ق.
٤١- زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ق.
٤٢- زجاجي، عبد الرحمن، أمالي زجاجي، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
٤٣- زركشي، محمد بن عبد الله، اللآلئ المنثورة في الأحاديث المشهورة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٦ق.
٤٤- زرندی حنفی، محمد بن یوسف، نظم درر السمطین، بی‌جا، بی‌نا، ١٣٧٧ق.
٤٥- زمخشري، محمود بن عمر، ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ١٤١٢ق.
٤٦- سبط ابن جوزی، یوسف، تذكرة الخواص، تهران: مكتبة نينوا الحديث، بی‌تا.

٤٧- سخاوي، محمد بن عبد الرحمن، المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٥ق.
٤٨- سيوطي، عبد الرحمن، الجامع الصغير، بيروت: دار الفكر، ١٤٠١ق .
٤٩- شجري جرجاني، يحيى بن حسين، الأمالي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ق.
۵۰- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه به کوشش محمد دشتی، قم: منشور وحی،۱۳۷۹ش.
۵۱- طبراني، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
۵۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤١٥ق.
۵۳- طریحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تهران: مرتضوي، ١٣٦٢ش.
۵٤- عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، تهران: مكتبة العلمية الإسلامية، بی‌تا.
۵۵- عيني، محمود بن أحمد، عمدة القاري، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
۵۶- فخر رازي، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۷- فراهيدي، خليل بن احمد ، العين، قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
۵۸- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۹- فيض كاشاني، محسن، التفسير الصافي، قم: مؤسسة الهادي، ١٤١٦ق.
۶۰- قمي، علي بن إبراهيم، تفسير القمي، قم: مؤسسة دار الكتاب، ١٤٠٤ق.
۶۱- كلينی، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٣ش.
۶۲- كناني، علي بن محمد، تنزيه الشريعة المرفوعة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٣٩٩ق.
۶۳- متقي هندي، علي، كنز العمال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
۶٤- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
۶۵- محب طبري، أحمد، ذخائر العقبى فی مناقب ذوی القربی، قاهرة: مكتبة القدسی، ١٣٥٦ق.
۶۶- مفيد، محمد بن نعمان، الأمالي، بيروت،:دار المفيد، ١٤١٤ق .
۶۷- مناوي، عبد الرؤوف، فيض القدير، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ١٣٥٦ق.
۶۸- نسائی، أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
۶۹- نعماني، ابن أبي زينب، الغيبة، قم: مهر، ١٤٢٢ق.
۷۰- هيثمی، علي بن أبي بكر، مجمع الزوائد، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.15.31.6.2]